

بررسی تأثیر فساد اداری بر امنیت اجتماعی



دکتر محمد منصور نژاد

خلاصه مقاله

نوشتار حاضر در چهار عنوان زیر سامان یافته است :

نتایج حاصله، آن است که می‌توان بین سطوح فساد اداری و سطح نا امنی اجتماعی، رابطه‌ای مثبت دید.

(د) جمع‌بندی و نتیجه‌گیری: در خاتمه برای رعایت اختصار در بحث، نتایج به دست آمده از این نوشتار، در قالب جدولی، تنظیم و آرایه گردیده است.

مقدمه :

نوشتار حاضر در عنوانهای زیر سامان یافته است : الف) تعاریف؛ ب) حدود و نقطه تمرکز بحث؛ ج) تأثیرات فساد اداری بر امنیت اجتماعی از نظر عقلی و نقلی؛ د) جمع‌بندی و نتیجه‌گیری.

الف) تعاریف :

برای بیان مطلوب از فساد اداری، می‌توان آن را با فساد سیاسی مقایسه کرد. فساد سیاسی یا کلان در بالاترین سطوح دستگاه سیاسی رخ می‌دهد. منظور از این نوع فساد، معامله با افراد بلند پایه‌ای است که از سمت و مقام خود برای به دست آوردن رشوه‌های کلان از شرکتهای مالی و بین‌المللی یا داوطلبان پروژه‌ها و قراردادهای، استفاده می‌کنند، یا مبالغ هنگفتی را از خزانه‌ی عمومی به نفع خود اختلاس و به حساب بانکی خود واریز می‌کنند.

اما فساد اداری در دستگاه دولتی، در انتهای طیف اجرایی سیاست اتفاق می‌افتد. فساد اداری که به آن فساد مالی سطح

الف) تعاریف: در این قسمت دو مفهوم کلیدی بحث، یعنی فساد اداری و امنیت اجتماعی، تعریف شده و تأکید می‌گردد که متغیر مستقل بحث، فساد اداری است. از این رو در این مقاله از عوامل موثر بر فساد اداری و دلایل آن سخنی به میان نمی‌آید و تنها تأثیرات این متغیر بر متغیر وابسته پژوهش، یعنی امنیت اجتماعی، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. این دو متغیر بر مدار فرضیه زیر آزمون می‌شوند:

ب) حدود و نقطه مرکز: در این قسمت ضمن طرح پرسشهای قابل طرح در این پژوهش، بر این نکته نیز تأکید می‌گردد که از بین سه روش نقلی، عقلی، قیاسی و عقلی. و استقرایی، شیوه پژوهش حاضر، دو روش اولی است و روش آخر - استقرایی - نیاز به اجرای طرحی کلان دارد.

ج) تأثیرات فساد اداری بر امنیت اجتماعی از نظر عقلی و نقلی: در این قسمت، مجموعه ادله استدلالی و روایی در موضوع جمع‌آوری گردیده و تأثیرات فساد اداری بر امنیت اجتماعی از نگاه عقل و نقل مورد بحث قرار گرفته است. از بررسی ادله می‌توان تأثیر مستقیم فساد اداری را بر ناامنی در جامعه، استدلال رد و از بعضی دیگر بر تأثیر غیر مستقیم و با واسطه این دو، از

اختلاس برداشت از منابع به وسیله ی افرادی است که مدیریت این منابع به آنها سپرده شده است. تقلب دستکاری یا ایجاد اختلال در اطلاعات، حقایق و امور کارشناسی از سوی افرادی است که در پی نفع خصوصی خویش اند

را انجام می دهند، در نتیجه فساد اداری مربوط به دو حیطه ی نظم عمومی (امنیت، آرامش و بهداشت عمومی) و مایحتاج عمومی (توزیع آب و برق، تأمین ارتباطات و پیشگیری از امراض) و در مورد اشخاص حقیقی و یا حقوقی که در تشکیلات دولتی مشغول به انجام وظیفه اند، پدیدار می گردد (تعریف اداره در: مدنی جلال الدین، مبانی و کلیات حقوق، نشر همراه: ۱۳۷۰، ص ۹۵).

و به صورت مشخص، شامل سوء استفاده ی مادی می گردد و البته حیطه های دیگری مثل رانت جوئی (کسانی که از تغییر مقررات منتفع شده و در قبال فعالیت های فساد آمیز مقامهای دولتی، به آنها پاداش می دهند. رانت جوئی seekers rew. هستند) و رانت فروشی را نیز در بر می گیرد (بازشناسی عارضه ی فساد مالی، ج ۱، ص ۱۵۵).

۲) امنیت اجتماعی:

واژه امنیت (security) به احساس ایمنی، رهایی از ترس و اضطراب، بخصوص از نظر تأمین نیازهای فعلی و آتی در نظر داشته و دی ک نگاه به دو قسم درونی (آسایش روحی و روانی) و امنیت برونی قابل تقسیم است؛ امنیت اجتماعی یکی از اقسام امنیت برونی است.

از امنیت اجتماعی تعاریف متعدد ارائه شده است. برخی گفته اند امروزه مفهوم امنیت از نظم صوری و ظاهری در اجتماع و تنها به معنی فقدان جرایم و تخلفات، فراتر رفته و شامل موارد و مصادیقی از نظر روحی، اخلاقی، بهداشتی و اقتصادی و بالاخره ایجاد ثبات و نظم واقعی و معقول در اجتماع شده است که از آن به امنیت اجتماعی تعبیر می شود (طباطبایی مؤتمنی منوچهر، آزادیهای عمومی و حقوق بشر، انتشارات دانشگاه تهران: ۱۳۷۰، ص ۵۰).

و در منبع دیگری آمده است که امنیت اجتماعی:

حمایت فرد و خانواده اش در مقابل بیچارگی ها و بدبختیهای اقتصادی یا شخصی، مانند تأمین سلامت و زندگی با اطمینان خاطر است (شعاری نژاد علی اکبر، فرهنگ علوم رفتاری، انتشارات امیرکبیر، ص ۴۱۷).

و در نهایت این قسم از امنیت بدین نحو تعریف شده است:

پایین (low level) یا سطح خیابانی (street level) نیز گفته می شود، همان است که هر روز در برخورد با مدیران عمومی در بخشهایی مانند بیمارستانها، مدارس، پلیس، گمرک و... آن را تجربه می کنند. مبالغ مربوط به این نوع فساد، تا حدودی کم است. با این حال مبالغ مربوطه ممکن است که در موارد خاص، مجموع قابل توجهی باشد. البته فساد اداری ممکن است در انتهای طیف اجرایی مدیریت عمومی روی دهد، بدون اینکه لزوماً بخشی از نظام سیاسی باشد یا پیامدهای سیاسی داشته باشد (ر.ک. رهبر فرهاد. میرزاوند فضل الله. زال پور غلامرضا، بازشناسی عارضه ی فساد مالی، ج ۱، موسسه ی نشر جهاد دانشگاهی: ۱۳۸۱، صص ۵-۱۴. در همین منبع به درستی گفته شده است که تفاوت فساد سیاسی و فساد اداری تا حدودی مبهم و نامشخص است. در بعضی موارد، فساد سیاسی ممکن است در عرصه هایی که عموم مردم در زندگی روزانه با آن روبه رو نمی شوند، یا حتی نسبت به آن آگاهی ندارند، رخ دهد).

اگر فساد اداری با فساد مالی رابطه ی تنگاتنگ دارد، برای باز شناسی و تعریف عملیاتی از فساد اداری، این نکته قابل تذکر است که شکل‌های اصلی فساد مالی، اختلاس، تقلب و اخاذی است. (همان منبع، ص ۱۱. در همین منبع در تعریف رشوه می خوانیم: عبارت از وجهی (نقدی یا جنسی) است که در یک رابطه ی آلوده و فاسد، داده یا گرفته می شود. اختلاس برداشت از منابع به وسیله ی افرادی است که مدیریت این منابع به آنها سپرده شده است. تقلب دستکاری یا ایجاد اختلال در اطلاعات، حقایق و امور کارشناسی از سوی افرادی است که در پی نفع خصوصی خویش اند. و اخاذی استفاده از زور، توسل به خشونت یا تهدید برای اخذ پول و منابع دیگر است).

اگر بخواهیم فساد اداری را از زاویه ی دیگر معرفی کنیم، اگر از نظر مادی، اداره عبارت است از فعالیت هایی که دولت به طور مستقیم یا غیر مستقیم برای حفظ نظم عمومی و یا برای ارضای حوایج عامه انجام می دهد؛ و از نظر سازمانی اداره دارای مفهوم تشکیلات است، یعنی مجموع اشخاص حقیقی و یا حقوقی که اعمال مادی اداره

اگر از وظایف اداره، ایجاد نظم عمومی است، درست عمل نکردن به وظایف، به این غایت آسیب می زند و حتی اگر نظم ایجاد نشود، بی نظمی به ناامنی منجر می گردد و حال آن که فساد اداری نسبت به نظم عمومی بی تفاوت نیست، بلکه در آن اختلال ایجاد می کند

سوء و نامطلوب دارد (رابطه ی این دو متغیر، منفی است). یعنی با افزایش فساد اداری، امنیت اجتماعی نیز مخدوش می شود و زیر سوال می رود. در این نوشتار، فرضیه سوم به عنوان مدعای بحث، مورد تأمل قرار می گیرد و به مجموعه ی ادله، شواهد و قراین، نافی و مبطل دو فرضیه ی اول و دوم اند.

۳) چنانچه یادآوری شد، عوامل متعددی سبب امنیت و یا ناامنی اجتماعی هستند؛ و در این مکتوب، تنها از به تأثیرات منفی اداری و فساد آن بر امنیت اجتماعی سخن می رود. البته مدعا نیز آن نیست که به صورت موجهه ی کلیه، در هر جا فساد اداری دیده شد، لزوماً به ناامنی اجتماعی به صورت بالفعل و سریع منجر می شود؛ ولی مدعا به صورت کلی آن است که سلامت اداری بر امنیت اجتماعی موثر است و فساد اداری از عوامل موثر بر ناامنی اجتماعی است و گر چه ممکن است سریع و بالفعل به ناامنی منجر نشود، ولی از عوامل موثر بر اعتراض، نارضایتی و اختلال در نظم عمومی جامعه است. اگر از وظایف اداره، ایجاد نظم عمومی است، درست عمل نکردن به وظایف، به این غایت آسیب می زند و حتی اگر نظم ایجاد نشود، بی نظمی به ناامنی منجر می گردد و حال آن که فساد اداری نسبت به نظم عمومی بی تفاوت نیست، بلکه در آن اختلال ایجاد می کند و از این رو حداقل می توان به صورت موجهه ی جزئی گفت که فساد اداری، امنیت اجتماعی را دچار مشکل می کند.

ب) حدود و نقطه تمرکز بحث :

در این قسمت چهار چوبه ی کلی ممکن، پیرامون تعامل فساد اداری بر امنیت اجتماعی بیان شده است و نکاتی که در این نوشتار بدانها پرداخته می شود، به صورت شفاف مورد تذکر قرار می گیرد :

۱) روش تحقیق :

پرسش اساسی در اینجا آن است که تاثیر فساد اداری بر امنیت اجتماعی، از چه طریقی می تواند پاسخ یابد؟ در یک اشاره ی کوتاه شاید در پاسخی تنایی می توان گفت :

دو روش:

اول، روش نقلی : مراد از این روش آن است که

آرامش و آسودگی که جامعه برای اعضای خویش فراهم می کند. ویژگی این گونه امنیت آن است که جامعه مسوول به وجود آوردن آن است، به طوری که یکی از اهداف و وظایف جامعه، برقراری امنیت است (سازمان عقیدتی، سیاسی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، دفتر سیاسی، بررسی اجتماعی چگونگی ارتباط بین جمعیت و امنیت اجتماعی: ۱۳۷۴، ص ۱۵).

در یک نگاه انضمامی تر از امنیت اجتماعی، می توان گفت که اول : حیطة ی بحث از این قسم امنیت به تعاملات بین طبقات، شئونات و گروههای اجتماعی و نیز آحاد جامعه نسبت به هم مربوط است و در صورتیکه بخشی و یا کل جامعه، از سوی فرد یا گروهی مورد تهدید قرار گیرد، ناامنی اجتماعی قلمداد می گردد. دوم: موضوع امنیت اجتماعی نیز محدود به بعد خاصی از جامعه نیست و از این رو امنیت و ناامنی در این بعد، شامل حوزه های اقتصادی، بهداشتی، روانی و... می باشد؛ سوم: در وجود یا فقدان امنیت اجتماعی عوامل متعددی مؤثرند و از این رو می توان از عوامل اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، حقوقی و... مؤثر بر امنیت اجتماعی سخن به میان آورد. درنهایت در پژوهش امنیت اجتماعی متأثر از عوامل اداری و به صورت مشخص، فساد اداری مورد تأمل و بررسی قرار می گیرد.

۳) جمع بندی :

به عنوان محصول مباحث مقدماتی می توان بر نکات چندی تأکید رد :

۱) در این پژوهش متغیر مستقل پژوهش، فساد اداری است و متغیر وابسته، امنیت اجتماعی. به عبارت دیگر قرار است که از تأثیرات مصادیق امنیت اجتماعی سخن به میان آید.

۲) در تعامل دو مفهوم فساد اداری و امنیت اجتماعی سه فرضیه قابل فرض است :

اول : فساد اداری بر امنیت اجتماعی هیچ گونه تأثیری ندارد (رابطه ی این دو متغیر، خنثی است).

دوم : فساد اداری بر امنیت اجتماعی اثر مطلوب دارد (رابطه ی این دو متغیر، مثبت است). یعنی فساد اداری باعث تقویت امنیت اجتماعی می گردد.

سوم : فساد اداری بر امنیت اجتماعی تاثیر



با توجه به اینکه پژوهش حاضر در گفتمان دینی و در بستر مذهب شیعی و در ایران صورت می‌پذیرد، با مراجعه بی به نصوص دینی (کتاب و سنت) (نص در دو معنا به کار گرفته می‌شود. اول، مجموعه متون دینی است، که این معنا از نص در بین نویسندگان جدید کاربرد دارد. اما نص در نگاه قدما معنی دومی دارد که در عرض ظاهر، مجمل و یا مؤول قرار می‌گیرد و به معنای صریح و واضح که جز یک معنای واحد احتمال دیگری ندارد، مستعمل است. ر.ک. فیرحی داوود، قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام، نشر نی: ۱۳۷۸، صص ۲-۵۱)، تأثیر آفاتی چون رشوه، تقلب، اخاذی و... بر امنیت اجتماعی طرح و بحث می‌شود. واضح است که این روش اول برای کسانی که برای نصوص حجیت قایل اند، معتبر است؛ و دوم با این فرض مورد عنایت قرار می‌گیرد که در فرهنگ اسلامی و شیعی، مسایل سیاسی، اجتماعی، اداری، اقتصادی و... نیز مطرح گردیده اند و دین تنها به حیطه های فردی، شخصی، اخلاقی و قلبی خلاصه نمی‌شود.

دوم، روش عقلی: روشی که متکی به خرد آدمی است و در دو شکل مستعمل است:

۱) روش قیاسی: در این شیوه با استفاده از استدلال و صغری و کبری منطقی، یک متفکر از کل به جزئی استدلال می‌کند. مقدمه ی قیاس ها مشهودات، مشهورات، تجربیات، بدیهیات و... است.

۲) روش استقرایی: این روش از پژوهش متکی و گره خورده با تجربه است. یک محقق از جز به کل می‌رسد و امروزه شیوه ی مطلوب و مقبول این شیوه، کارهای میدانی، پرسشنامه بی، مصاحبه بی و... پیرامون یک مدعا و موضوع است.

در این پژوهش این فرضیه که فساد اداری منتج به ناامنی اجتماعی می‌گردد و رابطه ی منفی بین این دو متغیر بر قرار است، از دو طریق مدلل می‌گردد: اول، با ادله ی نقلی و نصی، یعنی با مراجعه به آیات قرآن مجید و روایات و سیره معصومین؛ دوم، با روش عقلی و قیاسی: یعنی استفاده از براهین عقلی و مقدمات سیاسی. البته بهره بردن از روش استقرایی و تجربی برای این موضوع، بسیار مناسب است، ولی چنین تلاشی در مقاله ای کوتاه به ثمر نمی‌رسد و

نیاز به پروژه ای وسیع و همه جانبه دارد.
۲) پرسشهای مفروض:

ذیل عنوان مقاله ی حاضر و بحث موجود، پرسشهای فراوانی قابل طرح می‌باشند که تنها به برخی از آنها در حد یک نوشتار کوتاه می‌توان پاسخ داد. از جمله ی پرسشها عبارت اند از:

۱) آیا نمی‌توان بین فلسفه ی تاسیس اداره (که از جمله ی آنها ایجاد نظم عمومی است)، با بحث امنیت اجتماعی پیوند برقرار رد؟

۲) آیا می‌توان بین میزان فساد اداری و میزان امنیت اجتماعی ارتباطی تعریف شده برشمرد؟

۳) آیا حیطه ی پژوهش حاضر باید به توصیف تراپت فساد و امنیت اجتماعی خلاصه و منحصر گردد و یا آنکه باید به تعلیل و چرایی آن نیز بپردازد؟

در صورتی که پاسخ قسمت دوم باشد، آیا در چرایی باید بدین پرسش پاسخ داد که چرا فساد اداری شکل می‌گیرد؟ و خاستگاه آن کدام است؟ یا اینکه تنها به چرایی این نکته بپردازیم که چرا فساد اداری با امنیت اجتماعی ارتباط داشته و بر آن موثر است؟ و یا این که به هر دوی چرایی ها باید پرداخت؟ آیا دامنه ی تحقیق باید در همین حد خلاصه شده و به توصیف و تعلیل بسنده کند و در حیطه ی تجویز وارد نشود؟ و یا اینکه خیر، باید به

۶) آیا می‌توان از عکس فرضیه‌ی این نوشتار، به مدلل کردن اصل فرضیه پرداخت که رابطه‌ی فساد اداری با امنیت اجتماعی، منفی است و باعث ترویج و تقویت ناامنی اجتماعی می‌گردد؟ مثلاً با مدلل کردن این مدعا که سلامت اداری باعث تقویت امنیت اجتماعی می‌شود، به نتیجه‌ی واحد با فرضیه‌ی نوشتار رسید؟ یا اینکه نتیجه‌ی این دو فرضیه با هم یکی نیستند و به گونه‌ی دیگر نیز می‌توان اندیشید؟

۷) آیا فساد اداری از نقص و ضعف اداری نیز سرچشمه می‌گیرد؟ یعنی مثلاً به این دلیل که مدیر یا کارمندی از جهت نظری و عملی به کارش توجه نیست و تکالیفش را خوب و کامل انجام نمی‌دهد، نتیجه کار، فساد اداری است؟ یا اینکه خیر! فساد اداری یک مقوله است و نقص اداری و ضعف اداری چیز دیگر. در این نوشتار مدعا تفکیک بین نقص و فساد اداری است.

ج) تاثیرات فساد اداری بر امنیت اجتماعی از نظر عقلی و نقلی:

۱) از نظر عقلی و استدلالی:

در این بخش از سخن به برخی از ادله‌ی بی‌که بر تاثیرات فساد اداری بر امنیت اجتماعی دلالت دارند، استشهد می‌گردد. این استدلالها عبارت اند از:

۱) می‌دانیم که برخی از ادارات مستقیماً با مسایل امنیت جامعه مرتبط اند و برخی دیگر پیوند عملکردشان با امنیت اجتماعی غیر مستقیم و باواسطه است. پرسش این است که آیا در رابطه با آن سازمانها، نهادها و اداراتی که به طور مستقیم با امنیت اجتماعی مرتبط اند (نیروی انتظامی و پلیس، هلال احمر، بیمارستانها، ستاد حوادث غیر مترقبه و...) نمی‌توان پرسشهای زیر را مطرح کرد و با پاسخ مثبت به آنها، از ترابط و تأثیر حداقل اینگونه ادارات با امنیت اجتماعی و تلازم فساد اداری با فقدان و یا آسیب به امنیت اجتماعی سخن به میان آورد؟ (از وظایف پلیس اداری، جلوگیری از آسیب به نظم عمومی است و امنیت عمومی و آسایش نیز از عناصر تشکیل دهنده نظم عمومی اند. رک. طباطبایی مؤتمنی منوچهر، حقوق



این مقوله‌ی سوم نیز پرداخت و گفت که چه کنیم تا فساد اداری شکل نگیرد و یا اگر وجود دارد، به امنیت اجتماعی آسیب نزند؟ و...

تمرکز اصلی این نوشتار بر توصیف ترابط فساد اداری و امنیت اجتماعی است و سایر مباحث در حاشیه مورد اشاره قرار می‌گیرند.

۴) در بحث از فساد اداری، آیا باید به ساختار اداره بیشتر توجه داشت و سایر مباحث را در حاشیه دید؟ (نگاهی ساختار گرایانه)، و یا اینکه باید به مباحث فردی، شخصی و جزئی باید اهمیت اساسی داد و ساختار را به تبع دید؟ و یا اینکه فساد ادارات را باید هم از جهت ساختاری و هم از جهت غیر ساختاری دید؟ پرسش حاضر با همه‌ی اهمیت، از آنجا که فساد اداری به عنوان متغیر مستقل مفروض گرفته می‌شود، به صورت مستقل مورد تأمل قرار نمی‌گیرد.

۵) آیا بین نوع نظام سیاسی (استبدادی، مردم سالار، اسلامی، غیر اسلامی و...) و به تبع ساختار اداری متأثر از آن و سطح امنیت اجتماعی می‌توان ارتباطی عقلایی فرض کرد و فساد اداری را در برخی نظامهای سیاسی بیشتر از نظامهای دیگر دید و به تبع به ناامنی اجتماعی بیشتر دامن زد؟

در تعریف اداره گفته شد که از اعمال مادی اداره، حفظ نظم عمومی است. در اینجا نکته ی قابل توجه آن است که آیا اداره ی آفت زده، توان ایفای این نقش و مسئولیت را دارد؟ آیا فقدان نظم عمومی، معنای دیگر فقدان امنیت اجتماعی نیست

جلب رضایت مردم را نداشته باشند، آیا ارتباط مردم با این سازمانها، نتایج ناخوشایندی در پی نخواهد داشت؟ نظریه پردازان متعددی این فرضیه را مدلل کرده اند که در چنین صورتی کار مردم به شورش فردی و یا جمعی می انجامد و با وسواس، چگونگی و مراحل تبدیل خواسته های افراد از سازمانهای رسمی به شورش فردی یا جمعی را ترسیم کرده اند. (در این زمینه برای ملاحظه ی نظریه ی آنومی مرتون و نظریه ی محرومیت نسبی تدگار، ر.ک. زراعتی رضایی شاهین، مقاله ی فرایند تبدیل خواسته به شورش، فصل نامه ی دانش انتظامی، ش ۴: زمستان ۱۳۸۱، صص ۷۳-۳۶. و نیز مقالات مهمی در همین راستا از چارلز تیلی و اسکاچپول و... در: فراتی عبدالوهاب، رهیافت نظری بر انقلاب اسلامی، معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی: ۱۳۷۷، در ۳۶۴ ص).

اما از آنجا که شورش عمدتاً صبغه ی سیاسی داشته و به نحوی به چالش بین آحاد جامعه و دولتمردان مربوط است، رابطه ی بین نارضایتی مردم از فساد اداری و شورش، گرچه مساله ی درستی است، اما چون در حقیقت با امنیت ملی مربوط است، در اینجا مورد تأکید قرار نمی گیرد. (از نگاهی فقهی نیز برخورد دولت اسلامی با سرکشان (بغات) نسبت به راهزنان و اخلاص لگران امنیت اجتماعی، احکام متفاوت دارد.

اما حداقل می توان بدین نکات توجه داشت که آیا بین ناامنی در سطح سیاسی و ملی با امنیت اجتماعی پیوند و ارتباط وجود دارد؟ و در صورتی که جامعه به نا امنی کشانده شود و نظام سیاسی از ایجاد امنیت در کشور عاجز باشد، زمینه برای اشرار، ناقضان حریم ها و مفسدان مناسب تر می گردد، تا امنیت اجتماعی را نیز مخدوش کنند؟ آیا اعتراض نسبت به عملکرد مراجع رسمی، بخصوص نسبت به فساد موجود در ادارات، قانون گریزی و قانون شکنی را در بین آحاد جامعه تقویت و تشدید نمی کند؟ آیا اگر مردم ببینند که مجریان قانون خود بدان تعهدی ندارند، در این صورت آیا آنان تن به قوانین و قواعد موجود

اداری، انتشارات سمت (چاپ چهارم): ۱۳۷۷، صص ۳-۲۴۲).

از پرسشهای مطروحه عبارتند از: آیا عملکرد ساختار سالم و فاسد نسبت به نتایج حاصله یکسان است؟ به عبارت دیگر اگر ادارات متولی امر امنیت اجتماعی در قالب سازمان، تشکیلات و ساختارهای تعریف شده، وظایف محوله را به سامان می رسانند، اگر این ساختار به دلیل ارتشاء، اختلاس، تقلب، اخاذی، جایگزینی رابطه به جای ضابطه، رانت خواری و... به فساد کشانده شود، در تامین اهداف، همانند زمانی که سالم، تخصصی، نیرومند و توانا عمل می کند، عملکرد خواهد داشت؟ یا اینکه هر عقل سلیمی حکم می کند که اگر مجاری تامین امنیت اجتماعی ناقص باشند، امنیت اجتماعی نیز به درستی حاصل نمی گردد؟ در این صورت آیا نمی توان بین میزان فساد اداری (مثلاً قلت و کثرت رشوه) و میزان امنیت اجتماعی نسبت به این گونه ادارات و عملکردشان پل زد و بر این نتیجه پای فشرد که هر چه آسیب و فسادهای وارده بر ادارات و نهادهای تامین امنیت بیشتر باشد، امنیت اجتماعی نیز بیشتر در معرض خطر است و بالعکس؟

۲) در تعریف اداره گفته شد که از اعمال مادی اداره، حفظ نظم عمومی است. در اینجا نکته ی قابل توجه آن است که آیا اداره ی آفت زده، توان ایفای این نقش و مسئولیت را دارد؟ آیا فقدان نظم عمومی، معنای دیگر فقدان امنیت اجتماعی نیست؟ اگر این مدعا پذیرفته شده باشد، رابطه ی فساد اداری را با امنیت اجتماعی نه تنها به نهادها و سازمانهای متولی مستقیم امنیت اجتماعی می توان استنتاج کرد، بلکه می توان آن را به صورت عام به هر اداره بی تعمیم داد و گفت اداره سالم مساوی است با وجود نظم عمومی و اداره فاسد، با آسیب به نظم عمومی و امنیت اجتماعی گره خورده است.

۳) از آنجا که مرجع پاسخگو به اکثر خواسته های انسان در دنیای کنونی سازمانهای رسمی و ادارات اند، اگر این مراجع امکان یا فرصت

فساد اداری. یک سازمان و تشکیلات اداری را از هم می‌پاشد و فلسفه‌ی وجودی آن را مخدوش می‌کند و نه تنها دیگر از عوامل قدرت به حساب نمی‌آید، بلکه تشکیلات فاسد اداری از موانع قدرت یک نظام سیاسی است

می‌دهند و یا اینکه ضوابط اجتماعی و هنجارهای موجود را جدی نمی‌گیرند و می‌شکنند؟ در صورت فقدان قانون و عمل بدان آیا می‌توان به نظم و امنیت اجتماعی امید بست؟ آیا محصول چنین فرایندی ناامنی اجتماعی نیست؟
به درستی گفته شده است که :

اولین هدف از قانون گذاری، ایجاد نظم و امنیت، تعیین حدود و اختیارات و وظایف افراد در روابط اجتماعی است (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، درآمدی بر حقوق اسلامی، انتشارات سمت : ۱۳۶۸، ص ۲۹۸. و شرحی بر اهمیت نقش قانون و حکومت در تأمین نظم و امنیت در : کریمی عبدالوهاب، ناامنی و شیوه های مبارزه با آن از نظر اسلام، مجله ی سراج، ش : پائیز ۱۳۷۳، صص ۸۶-۱۴۵. در این مقاله از جمله مباحث تأثیر جرایمی مثل سکه سازی، جعل و تزویر، محو یا شکستن مهر، سرقت نوشته ها از اماکن دولتی و... بر امنیت، مورد بررسی قرار گرفته است که در متن فوق فارغ از این منظر، به تأثیر فساد اداری بر امنیت اجتماعی پرداخته شده است).

اما اگر این قانون با فرض این هدف درست تعریف و تصویب گردد، در مرحله ی اجراء، به فساد بگراید و از سوی مجریان نه تنها عمل نشود، بلکه به فلسفه ی قانون، دهن کجی کند و خلاف آن پیاده شود، در این صورت محصول کار نه تنها نظم و امنیت نیست، بلکه هم خود مخل نظم و امنیت است و هم بسترهای ناامنی و بی اعتمادی و قانون گریزی را آماده می‌ند و فرهنگ ستیز با قانون، نظم و امنیت را تولید، بازتولید و نهادینه می‌کند.

۴) از زوایه ای دیگر نیز می‌توان عقلاً بین فساد اداری و امنیت اجتماعی رابطه برقرار رد. با فرض وجود فساد اداری، می‌توان این فساد را به چند صورت تصور رد : اول وجود فساد در ساختار اداری و تشکیلاتی سازمان؛ دوم : وجود فساد در بین رهبران، مدیران و مجریان اصلی ادارات؛ سوم : وجود فساد اداری در بین کارمندان رده های پایین. گر چه می‌توان فساد اداری را در هر سه سطح یاد شده با هم دید و منعی برای این جمع نیست، اما با

فرض وجود فساد در تنها یکی از سطوح یاد شده، آیا نمی‌توان از جهت عقلی بر این مدعا استدلال کرد که هر چه سطح، گسترده تر و عمق فساد اداری بیشتر باشد، تأثیراتش بر ناامنی اجتماعی نیز بیشتر است؟ زیرا که در تأمین نظم، ناکارآمدی بیشتر داشته و نیز به فرهنگ فساد، بی اعتمادی قانون گریزی در حد و سطح بیشتری آسیب می‌زند (شاید آسیب شناسی و برخورد اصلاحی حضرت امیر در حکومت علوی با زمامداران و مسوولان را در این راستا بتوان تفسیر رد که در برخورد با مفاسد نیز باید اهم و مهم کرد و ابتدا به سراغ رده های بالاتر رفت (مثلاً برخورد حضرت امیر با عثمان بن حنیف که در نامه ۴۵ نهج البلاغه آمده است). و نیز رک. نزهت ابراهیم، اولویتها و حساسیتهای در مدیریت امام علی، مجموعه مقالات کنگره ی بین المللی امام علی و عدالت، وحدت و امنیت، ج ۲، پژوهشکده ی علوم انسانی و مطالعات فرهنگی : ۱۳۸۱، صص ۴۳-۲۲۷).

۵) یک نظام سیاسی اگر برای تأمین امنیت اجتماعی، به قدرت نیاز دارد و با فقدان قدرت، امنیت جامعه به خطر می‌افتد، امروزه پذیرفته شده است که کارآیی سازمان و تشکیلات اداری و دولتی در داخل یک کشور از عناصر قدرت است (در کنار موقعیت جغرافیایی، اقتصادی، نظامی و...) (ر.ک. کاظمی علی اصغر، نقش قدرت در جامعه و روابط بین الملل نشر قومس : ۱۳۶۹، صص ۴-۱۵۲).

فساد اداری، یک سازمان و تشکیلات اداری را از هم می‌پاشد و فلسفه ی وجودی آن را مخدوش می‌کند و نه تنها دیگر از عوامل قدرت به حساب نمی‌آید، بلکه تشکیلات فاسد اداری از موانع قدرت یک نظام سیاسی است. اگر این مدعا پذیرفته باشد، حاصل سخن آن است که فساد اداری به دولت و قدرت و اقتدار آن آسیب می‌زند و دولت ضعیف و بی اقتدار، از تأمین امنیت اجتماعی (و البته سایر اقسام امنیت) ناتوان است و از اینجا و در این مسیر نیز به ترابط فساد اداری و ناامنی اجتماعی و از آن سو سلامت و نیرومندی



سوی دولتمردان و رشوه گیری در سیره ی علوی و حکومت حضرت علی را از زبان آن حضرت، در کلام ۲۲۴ نهج البلاغه ببینید (داستان برخورد حضرت امیر با برادرش عقیل و فردی که برای ایشان به اصطلاح هدیه آورده بود).

حاصل آنکه نظامیان عزیز و مظهر امنیت هستند، اما اگر در فساد اداری بغلطند، طبق نصوص دینی هم ملعون و مطرود از سوی پیامبر خدا هستند و هم دیگر خود سمبل ترس و اضطراب اند و به عبارت دیگر نه تنها در امنیت اجتماعی نباید بدانها تکیه و تاکید کرد، بلکه باید در این مسیر از آنها ترسید. بر اساس این نصوص است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تدوین قانون تعزیرات، قانونگذار احکام مربوط به ارتشاء و رشاء را در مواد ۶۵ الی ۷۰ منظور کرده و در سال ۱۳۶۷ نیز قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری، به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسیده است. در ماده سوم قانون اخیر آمده است: «هر یک از مستخدمین و مامورین دولتی...

بترسد، چهره اش به سبب این حرکت، در حالی با خدای متعال مواجه می شود که سختی موقف روز قیامت را در پیش و چهره اش دارد.

و در رابطه با مذمت و قبح رشوه خواری، حداقل یک شک شاهد از سیره نبوی استشهد می گردد. در منابع روایی آمده است که رسول خدا مردی از بنی اسد را مأمور جمع آوری زکات فرمود، هنگامی که آن مرد از سفر مأموریتی خود بازگشت، اموالی را که با خود آورده بود، در حضور رسول خدا (ص) دو قسمت کرد و گفت: این قسمت متعلق به شما و این قسمت مال من است که به من هدیه داده اند. پیامبر (ص) بر منبر رفت و فرمود: این کار چیست که ما برای انجام امور اجتماعی و جمع آوری زکات، کارمندی را بفرستیم و وقتی رجوع می کند، بگوید این مقدار مال من است و آن مقدار مال شما. چرا اینها در خانه پدر و مادرشان نمی نشینند تا برایشان هدیه بیاورند. قسم به آن خدایی که جانم در دست اوست، هر کس از اموال صدقات چیزی بردارد، روز قیامت می آید، در حالیکه همان اموال را بر دوش می کشد؛ اگر شتر است، صدای

1	متغیرها	متغیر مستقل : فساد اداری وابسته : امنیت اجتماعی
2	روش پژوهش	عقلی و قیاسی نقلی و روایی
3	فرضیه	فساد اداری بر امنیت اجتماعی تأثیر منفی دارد.
4	ادله عقلی	اول : فساد در اداراتی که مستقیماً مسوول امنیت مردم اند، مستقیماً به امنیت اجتماعی آسیب می زند. دوم : از کارکردهای مادی اداره، حفظ نظم عمومی است و در صورت کارکرد غلط، نظم عمومی و به تبع امنیت اجتماعی آسیب می پذیرد. سوم : کارکرد فساد اداری، از آنجا که به بی اعتمادی به نظام اداری، تولید فرسنگ فساد، نارضایتی مردم و ... منجر می شود، از این رو به طور غیر مستقیم بر امنیت اجتماعی تأثیر سوء دارد. چهارم : بحران بین نظام اداری و مردم، به بحران امنیتی در نظام تبدیل می شود و بحران در امنیت
5	ادله نقلی	کشور، به تقدید و بحران در امنیت اجتماعی منجر می شود. پنجم : فقدان کارآیی تشکیلات دولتی به کاهش در قدرت نظام سیاسی منجر می گردد و از عسولت آن، عدم توان برای تأمین امنیت اجتماعی است. اول : ناقضان امنیت اجتماعی از مصادیق هاربان با خدا و رسول در جامعه ی اسلامی مستند. فساد اداری و عدم برخورد و یا زد و بند مأموران دولتی با این هاربان، امنیت اجتماعی را هودش می کند. دوم : از ریشه های فساد اداری، بی توجهی به فرامین دینی است که به تقویت خلافکاران و حریم شکنان امنیت در جامعه منجر می گردد. سوم : عاملان فساد اداری (رشوه خواری، رابطه بازان و ...) از منظر ادله و نصوص دینی، حکوم و مطرود و عاملان تأمین امنیت، محبوب و مورد احترام مستند. بین سطح فساد اداری (ساختاری یا مسوولان ادارات و یا نیروهای بدنه) و سطح امنیت اجتماعی رابطه ی منفی برقرار است. مرجه فساد بیشتر و عامل آن قویتر، نامنی اجتماعی بیشتر.
6	سطوح تأثیر	

قبول نماید در حکم مرتشی است.^{۲۰} و بر همین اساس، میزان مجازات بر اساس قیمت مال یا وجه مأخوذه توسط مرتشی، متغیر است و به هر میزانی که مبلغ رشوه افزایش پیدا کند، بر میزان مجازات مرتکب نیز افزوده خواهد شد. به طور مثال در صورتی که قیمت مال یا وجه مأخوذه بیش از ۲۰ هزار تومان نباشد، به انفصال موقت از شش ماه تا سه سال و چنانچه مرتکب در مرتبه ی مدیر کل یا همپراز مدیر کل یا بالاتر باشد، به انفصال دائم از مشاغل دولتی محکوم خواهد شد (شامبیاتی هوشنگ، حقوق کیفری اختصاصی، ج ۳، ص ۴۳۶ و ۴۴۹-۵۰).

عجیب اینجاست که با همه سنگینی این جرم، رشوه از معضلات جدی جامعه و نظام اداری ماست و متأسفانه تاریخ ایران، بخصوص در قرون اخیر، از این بعد آلوده گزارش شده است. به طور مثال در عصر قاجاریه و حکومت ناصرالدین شاه، نخست وزیر و اطرافیاننش (سپهسالار، محسن خان معین الملک و ملکم خان)، ذیل امضای قرار داد رویتر رشوه گرفته اند و از اوصاف محمد علی میرزا (پسر مظفرالدین شاه) نقل شده که: "کودن و طماع است و شرم آورترین رشوه ها را می گیرد." در عصر احمد شاه، وثوق الدوله و دو تن از وزیرانش با دریافت پول نقد به عنوان رشوه، قراردادی را امضا کرده بودند که به موجب آن، ادارات و ارتش ایران در کنترل انگلیسی ها قرار می گرفت و...

حاصل این چنین قوانینی و غایت اصلی این گونه قانونگذاری آن است که سلامت نظام و جامعه تضمین شده و با آلوده نشدن دستگاه و سازمان اداری، امنیت و آسایش به جامعه و حکومت بازگردد. در این میدان گر چه نصوص دینی دلالت بر تأثیر فساد اداری بر ناامنی و اضطراب در جامعه ندارند، ولی با مراجعه به مواد خام موجود در قرآن، احادیث و سیره معصومین، می توان بانضمین الزام به ترابط فساد اداری با فقدان امنیت اجتماعی از نگاه دینی و بر اساس نصوص دینی رسید. متأسفانه جای ار به طور کامل خالی است و کارشناسان دینی بیشترین نقش و مسوولیت را در پر کردن این خلا دارند.

د) جمع بندی و نتیجه گیری :
حاصل نوشتار حاضر و پیام اصلی مقاله را می توان در قالب جدول روبرو نشان داد :

گردآوری و تنظیم :
دکتر عبدالمطلب ایزدشناس

درآمدی بر مدیریت تولید در ژاپن

در گفتار پیش روی خواهیم تا از زوایای متفاوتی به بررسی راه و رسم مدیریت تولید در ژاپن بپردازیم. همگی ما کم و بیش با لغات غریب و نا آشنایی در ادبیات مدیریتی این کشور روبه رو شده ایم که نوعاً با رشد انفجاری و همه جانبه چشم بادامیهای سرزمین آفتاب تابان در عرصه اقتصاد و صنعتی شدن در اواسط قرن پیشین، هماهنگ و به همان میزان نا مانوس و دور از ذهن است و از طرفی بسیاری از بزرگان مدیریت در غرب می خواهند شیوه تفکر مدیران ژاپنی را در نهایت برگرفته از آموزه های غربی بدانند. زبان فرهنگ آن کشور دستخوش تغییر و تطوی عمیق شده و به گونه ای نوین بازگو کننده دیدگاههای اندیشمندان غرب در قالبی تازه تر شده است. به دیگر زبان بر خلاف آنچه در نظرگاه مقدماتی به اذهان متبادر می گردد، علم مدیریت ژاپنی تافته جدا بافته ای از همتای غربی خود نیست و نمی تواند به تنهایی نوشاروی دردهای بیشمار صنایع بحران زده عصر حاضر به شمار رود. به دیگر سخن، همانگونه که مدیران ارشد ژاپن در انتقال آموخته های خود از غرب تغییر و تطور لایدی را متناسب با فرهنگ خویش بر آن برتابیدند، شایسته تر آن است که ما نیز از لحاظ کردن ارزشهای ملی و دینی گرانسنگ خود در تهاتر بایسته دانش فنی نوین با کشورهای صنعتی، اعم از نسخه های زرد و سفید آن رویگردان نباشیم.

ژاپنی‌ها با شروع حرکت از صنایع کوچک، توانستند به سمت صنایع عظیم فعلی جابه‌جا شوند و رشدی را که انگلستان در عرض چندین سده به دست آورده بود، تنها در عرض چند دهه کسب کنند

تاریخچه

سیستم اقتصادی ژاپن را باید از یک نظر به سیستمی "سه‌پارتنانه" Tri-Partisan تشبیه کرد که در آن سه رکن: دولت، صنایع و نیروی کار به صورت مکمل به برآوردن احتیاجات سه‌جانبه در راستای توسعه رفاه در ابعاد مرتبط می‌پردازند. تمرکز سیاست‌گذاری صنعتی ژاپن بر اساس مرقومات "جیمز (۱۹۸۹)" خط سیر زیر را در چند دهه اخیر طی کرده است: بعد از جنگ جهانی دوم تمرکز بر صنایع وابسته به نیروی یدی و بدنی کارگران بوده است و بعد از آن در سال‌های ۱۹۵۰ سرعت سیر صنعتی شدن را سپری و سپس در سالهای دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی توجه اصلی خود را معطوف به مهندسی صنایع الکتریکی سنگین کرده است.

در دو دهه بعدی تا پایان دهه ۹۰ توجه این اقتصاد، بر صنایع مبتنی بر علم محض و گسترش همه‌جانبه آن در اقتصاد ملی نظیر کامپیوتر، مدارهای مجتمع و صنایع هوا، فضا و... بوده است. در تمام این خط سیر نیم‌قرنی، توسعه و سودآوری صنایع در اقتصاد ژاپن رو به رشد و شکوفایی فزاینده بوده است.

از دیدگاهی دیگر فلسفه اقتصادی ژاپن در فاصله بین دهه ۶۰ تا آخر دهه ۹۰ بوده هر گونه تغییر، بر تربیت و پرورش صنایع خانگی مبتنی بوده و در همین راستا از واردات تا سرحد امکان پرهیز شده و با پایین نگاه داشتن ارزش واحد پولی "ین" در این فاصله، امر صادرات رو به توسعه بوده است. قابل ذکر است که علی‌رغم کاهش نسبی قدرت این اقتصاد در نیمه دوم دهه ۹۰ و برخلاف همتای غربی خود، موضوع وفاداری و حفظ تعهد حقوق کارگران حتی در این وضعیت نیز از یاد نرفته است.

در سوی مقابل، دست‌اندرکاران اقتصاد در غرب، سنگ بنای اعتقادات خود را در چهارچوب "صرفه‌جویی در مقیاس" Economies of Scale تعریف کرده و اذعان داشتند که با تولید انبوه محصولات می‌توان هزینه‌های تولید را کاست و با عرضه کالای ارزاتر، در بازارهای رقابتی جهانی وارد شد. به دنبال این رویکرد می‌تواند رشد بیش از پیش تجارت را در سطوح ملی به ارمغان آورد.

از سوی دیگر، تولیدکنندگان ژاپنی علاقه مند به ترویج ایده انعطاف‌پذیری در ابعاد دوگانه تولید انعطاف‌پذیر و کارگران قابل بکارگیری در دیسپلین‌های کاری

متنوع، بوده‌اند و از طریق گسترش تخصصی این ایده به گونه دیگری به موضوع "صرفه‌جویی در مقیاس" Scale Economies of صحه گذاشته‌اند. آنان معتقدند با تغییر کالاهای تولیدی مکانیزم‌های تولید می‌توان نیازهای در حال تغییر دایمی بازار را اجابت کرد.

بدین ترتیب و با چنین تدابیری، ژاپنی‌ها با شروع حرکت از صنایع کوچک، توانستند به سمت صنایع عظیم فعلی جابه‌جا شوند و رشدی را که انگلستان در عرض چندین سده به دست آورده بود، تنها در عرض چند دهه کسب کنند.

اگر چه راهکارهای مدیریتی ژاپن در نگاه اول از کرده‌های همتایان غربی خود بسیار متفاوت به نظر می‌رسد، اما به واسطه تعهد آنان به "صرفه‌جویی در مقیاس" Economies of Scale (با این تفاوت اندک که آنان تأکید بیشتری بر انعطاف‌پذیری صنعت در تمام وجوه کاری خود دارند)، چکیده این ایده الهام‌بخش نوبه خود واریانته‌ای از "فوردیسم" و "تایلوریسم" را در ذهن متبادر می‌سازد. در گفتار پیش‌رو نیز با مقایسه این دو طیف می‌توان به وجوه اشتراک و تمایز آنان و قوف کامل یافت.

در هر صورت بایستی، متذکر شد که در این گفتار، هر جا سخن از حداقل‌ها یا نبود ضایعات در امر تولید می‌شود اشاره اصلی آن از لحاظ تاریخی به سیستم تولیدی شرکت "تویوتا موتور" Toyota Motor می‌باشد که در چند دهه قبل تثبیت شده است. مؤسسان نابغه این شرکت در سیری تدریجی پی بردند که تنها راه حفظ ثبات و بقا در بازار رو به رشد و رقابتی جهان امروز، جز در سایه تولید ارزان ممکن نیست و در پایان کسی خواهد برد که بتواند در کوتاهترین زمان ممکن کالای خود را با بالاترین کیفیت و در کمترین بهای ممکن به دست مشتری برساند و خود نیز از این راهگذار سودی هر چند اندک کسب کند. در نگاه اول این سخنان بیشتر به گفتاری در رویا شبیه بود، اما مدیران شرکت تویوتا و شاید پیش از آنان، افرادی چون هنری فورد توانستند به این سخنان جامه عمل ببوشانند. نام چهار مدیر برجسته به عنوان ابداع‌کنندگان این شیوه تولیدی، در درون سازمان عریض و طویل تولید اتومبیل تویوتا، خودنمایی می‌کند.

۱. "سایکیچی تویودا": Sakichi Toyoda او در سال ۱۹۰۲ یک دستگاه نساجی بافندگی برقی و در سال ۱۹۲۶